

سریال خوش‌ساخت کمال تبریزی در فصل سوم با افت مواجه شد
تلویزیون هم با پخش نامنظم و عدم تبلیغات به دیده نشدن یک اثر فاخر کمک کرد



جفا به سرزمین مادری



میلهاد جلیل‌زاده
خبرنگار گروه فرهنگ

«سرزمین مادری» نام بهتری برای آخرین سریال کمال تبریزی است تا سرزمین کهن. درست است که سرزمین ایران پیشینه‌ای کهن دارد و مسائل تاریخ معاصر ما هم از رویدادها و باورهای کهن‌مان ریشه می‌گیرد اما این مجموعه به تاریخ معاصر ایران و تکوین بخشی اساسی از گفتمانی می‌پردازد که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شد و از همین رو نام سرزمین مادری برایش متناسب‌تر به نظر می‌رسید. کودکی که اصالتا به یک خانواده بسیار متمول سلطنت‌مآب تعلق دارد و وارث ثروت بسیار انبوهی است، در دامان یک پدر و مادر چپگرا پرورش یافته و حتی پدرش سابقا به فرقه دموکرات آذربایجان وابستگی داشت. فرقه‌ای که اعضای آن تا پای جدا کردن این بخش از کشور و الحاق آن به شوروی پیش رفتند. اینکه چطور این پسرک در مسیر زندگی اش سرا از پیوستن به اردوگاه انقلابیون اسلامگرا درمی‌آورد، سوای از یک درام دوره‌ای یا اصطلاحا ساگا، ریشه‌شناسی از تبارهای تاریخ سیاسی معاصر ما هم هست. این مجموعه البته وارد پیچیدگی‌های مربوط به مساله فرقه پیشه‌وری نمی‌شود که خودش مثنوی جداگانه‌ای است اما مسیر تکامل شخصیتی که کودکی‌اش را در دامن هواداران این فرقه گذرانده و سوق پیدا کردنش به شخصیتی که در بزرگسالی هوادار انقلاب اسلامی است، به خوبی در قالب درام جامی افتد. البته در ابتدا نقش چپ‌دار روایات این داستان بسیار پررنگ‌تر بود که طی جلسات هم‌اندیشی بین نویسنده و کارگردان سریال با مشاوران تاریخی آن و بحث‌های گسترده‌ای که شکل گرفت، این نقش تا حدودی تعدیل شد.

پخش این- سریال به دلیل حواشی‌آن با وقعه‌ای ۱۰ ساله مواجه شد و صداگذاری و دوبله روی بعضی از بخش‌ها و حذف بعضی از صحنه‌ها بود که نهایتا نمایش آن را ممکن کرد. صحبت درباره مسائلی که حواشی این سریال را ایجاد کرد می‌تواند مبسوط و چالش‌برانگیز باشد و حتی هنوز هم بد نیست که در فضای آرام و عالمانه این مباحث ادامه پیدا کنند اما به هر حال حتی اگر شدت واکنش‌ها یا شکل‌شان را بتوانیم نقد کنیم، نمی‌توان کتمان کرد که اساس طرح شدن‌شان بی‌معنا نبود. تماشای سریال سرزمین مادری شبیه به تماشای یک آلبوم قدیمی از بازیگران سینمای ایران هم هست. انبوهی از ستاره‌ها در این مجموعه گرد هم آمده‌اند تا به یاد بیاوریم که روزگاری پاتوق بهترین‌های هنر نمایش در پروژه‌های بزرگ تلویزیون بود. چیزی که امروز در مقیاس بسیار کوچک‌تر به شبکته نمایش خانگی منتقل شده است. شبکته نمایش خانگی هرگز نه می‌تواند سریالی تاریخی در این ابعاد و تا این حد پورفته در عمیق‌ترین لایه‌های تحلیل سیاسی و اجتماعی بسازد و نه دغدغه‌هایی که عموما در آن فضا وجود دارد. مطابق با چشم‌اندازی است که می‌توان در مجموعه‌هایی مثل سرزمین مادری دید. مثلا در شبکته نمایش خانگی سریالی با موضوع تاریخ معاصر می‌سازند که ژست میهن‌دوستی هم در آن بسیار پررنگ جلوه می‌کند اما هیچ اثری از نقش استعمارگرانی مثل انگلستان در آن نیست و چنین درون‌مایه‌هایی مشخصا تحت تاثیر یک نگرش سیاسی و جنابیی خاص در کشور است. البته از نظر فنی می‌توان این ایراد را به ساختار مجموعه سرزمین مادری گرفت که در فصل‌های دوم و سوم، کشش دراماتیک فصل اول وجود نداشت و خود تلویزیون هم به رغم اینکه می‌شود مدیران آن را بابت پخش این سریال از قفای تمام این حواشی ستود، در زمان بندی پخش آن و تبلیغات



مناسب روی آن خیلی خوب عمل نکرد. این مجموعه با تبلیغات خوب و زمان پخش مناسب، می‌توانست مخاطبانی بسیار بیشتر از آن چیزی پیدا کند که امروز دارد. تلویزیون می‌تواند در رسانه‌های دیگر از جمله فضای مجازی مخاطبان را به تماشای برنامه‌های خودش ترغیب کند و آنها را مسر ساعت معینی از روز یا هفته پای گیرنده‌هایشان بنشانند؛ نه اینکه دیده شدن بخشی از یک برنامه یا سریال در رسانه‌های دیگر را به حساب دیده شدن خود تلویزیون بگذارند. این نکته‌ای است که توجه به آن می‌تواند به دیده شدن بسیاری از برنامه‌های تلویزیون کمک شایانی بکند؛ چه اینکه به رغم صحیح بودن بعضی از انتقادات نسبت به افت کیفیت بعضی از محصولات تلویزیون، تمام مساله کاهش مخاطب را نمی‌توان به پای همین افت گذاشت و بخشی از آن به تبلیغ ناکافی و… هوشمندانه محصولات تلویزیون در رسانه‌های دیگر برمی‌گردد.

نکته دیگری که از خلال توجه به سریال سرزمین مادری و بحث درخصوص آن به ذهن می‌رسد این است که چرا دیگر چنین مجموعه‌هایی در سینما تولید نمی‌شوند؟ چند سطر بالاتر به این اشاره شد که شبکته نمایش خانگی هرچند برای تلویزیون رقیبی جدی در سریال‌سازی شده است، اما این خلأ را نمی‌تواند پر کند پس به واقع باید این پرسش را فراتر از مباحث مربوط به بودجه کلی سازمان صداوسیما جدی گرفت که چرا دیگر آثاری از قبیل «کیف انگلیسی» یا «سرزمین مادری» در تلویزیون تولید نمی‌شوند یا اگر تولیداتی وجود دارد، به آن کیفیت و غنای سابق نیست؟ عباس سلیمی‌نمین که مشاور تاریخی پروژه سرزمین مادری بود، درخصوص فرآیندی که به کشف و تکامل و انسجام ایده‌هایی از این دست می‌انجامید، نکات جالبی بیان



کرده است. توجه به این نکات است که می‌تواند معلوم کند چرا دیگر چنین سریال‌هایی را در دستور کار تولیدات تلویزیون نمی‌بینیم. او می‌گوید: «در دوره لاریجانی و سپس ضرغامی، ساختاری در صداوسیما تعریف شده بود که براساس آن گروهی از کارشناسان تاریخ دعوت می‌شدند و فیلمنامه سریال‌های تاریخی که قرار بود ساخته شود، از سوی آنان خوانده می‌شد و در صورت تایید در چند مرحله، به سوری تولید می‌رفت. این مراحل، از بخش پژوهش شروع می‌شد. در بخش نگارش فیلمنامه و تولید اثر ادامه پیدا می‌کرد و درنهایت بعد از پخش سریال از تلویزیون، با برگزاری جلسه نقد و بررسی آن به اتمام می‌رسید. البته پیش از آن نیز جایگاهی برای کار پژوهش و کارشناسی در نظر گرفته شده بود، یعنی بودجه‌ای برای پژوهش در نظر گرفته می‌شد اما در عمل هزینه نمی‌شد، چون متاسفانه نگاه بعضی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان درباره سریال‌سازی، یک نگاه کاملا منفعت‌طلبانه بود و دنبال کم کردن هزینه‌ها بودند. سهل‌ترین بخش برای صرفه‌جویی را همان بودجه پژوهش می‌دیدند اما وقتی آن ساختار تعریف شد که به معنای واقعی کلمه یک اقدام ارزنده بود، پیوندی میان پژوهشگران تاریخ و طرح‌های فیلم و سریال تاریخی ایجاد شد و کمک کرد به تولید آثار قوی‌تر تاریخی با روایتگری نزدیک‌تر به واقع. از طرف دیگر برخی کسانی که صرفا ژانر تاریخی را برای طرح کردن یک قصه یا درام ساده و روان انتخاب کرده بودند، وقتی می‌دیدند تولیدات‌شان ارزیابی جدی می‌شود، طبیعتا تا حدودی دست‌شان در ساختن آثاری بی‌محتوا و ارائه روایتی جعلی و مخدوش از تاریخ بسته می‌شد. این اتفاق بسیار فرخنده‌ای بود که متاسفانه بعد از پایان دوران مدیریت ضرغامی و در دوره علی عسگری تداوم پیدا نکرد و متوقف شد.»

چرا تلویزیون به سریال‌هایی چون سرزمین مادری نیاز دارد؟

روایت تاریخ بدون لکنت



عاطفه جعفری
خبرنگار گروه فرهنگ

کاربری در توییت‌ر نوشته بود؛ کاش تلویزیون قدر سرزمین مادری را بیشتر می‌دانست، ساعت پخش درست ندارد، تبلیغ نمی‌شود و انگار از عمد می‌خواهند دیده نشود!؛ اگر جست‌وجویی در فضای مجازی با هشتگ «سرزمین مادری» یا همان «سرزمین کهن» انجام شود، بیشتر، گلابه‌ها از صداوسیماست که در حق سریال ظلم کرده و نتوانسته آن طور که باید و شاید از آن دفاع کند. فصل سوم سرزمین مادری، چند وقتی است که شروع شده، سریالی که در چند فصل قرار شد تا ماجرای زندگی رهی اردکانی را روایت کند. فصل اول از سال ۱۳۲۰ شروع می‌شود و تا نوجوانی رهی ادامه دارد. فصل دوم زمان جوانی رهی بر سین‌های ۱۳۲۲ تا ۱۳۴۲ است و حالا در فصل سوم، ماجرا به سال ۱۳۵۴ رسیده است و قرار است تا ۱۳۵۷ ادامه پیدا کند.

بعد از پایان فصل دوم که اسفندماه ۱۴۰۲ بود، حالا در فصل سوم، با یک رهی جدید رویه‌رو هستیم، آن رهی معترض که برای همه چیز اعتراض می‌کرد، گلابه و شکایت داشت؛ حالا انگار به آرامشی رسیده، آن شور جوانی انگار با کتاب خواندن به آرامش رسیده و با موهای سفید شقیقه، انگار یکی دیگر شده است. درحال کار در یک کتابفروشی است. با اینکه دانشگاه نرفته و تحصیلات عالی ندارد، به خاطر کتاب‌های زیادی که خوانده مورد توجه قرار گرفته و دوستان دانشجوی زیاد دارد که پای صحبت‌هایش می‌نشینند. رهی در فصل سوم از همسرش جدا شده به خانه پدریزکش برگشته و در غیاب مادر و خواهرها، کنار او زندگی می‌کند. تغییر برخی بازیگران در فصل سوم در برخی رسانه‌ها مورد نقد قرار گرفت و برخی دیگر هم بازی‌ها را قوی‌تر از فصل‌های قبلی می‌دانند؛ اما ماجرای تغییر بازیگر شخصیت اصلی هم جالب است. قرار بود که بازیگران فصل دو از جمله شهاب حسینی و محمدرضا فروتن نقش دوران میانسالی کاراکترهایشان را خودشان بازی کنند، اما حواشی توقیف این سریال موجب شد تا کمال تبریزی مجبور به انجام این تغییرات در ترکیب بازیگران سریال شود.

زمانی که فصل اول سریال در سال ۱۳۹۲ روی آنتن رفت گروه تولید سریال در حال ضبط فصل دوم بودند، توقیف این سریال موجب شد تا تولید فصل دوم هم مدتی متوقف شود. بعد از چند ماه توقف روند تولید از سر گرفته شد و سکانس‌های باقی‌مانده جلوی دوربین رفت. با پایان تصویربرداری فصل دوم، پیش‌بینی می‌شد که مشکلات پخش سریال مرتفع شود، اما این اتفاق نیفتاد و متعاقبا تولید فصل سوم هم متوقف شد. بعد از گذشت چند ماه مدیریت تلویزیون دستخوش تغییر شد. محمد سرفراز به جای عزت‌الله ضرغامی ریاست سازمان صداوسیما را به عهده گرفت و اصغر پورمحمدی هم به جای علی‌داریی معاون سینما شد. با روی کار آمدن مدیران جدید، قرار شد مشکلات سریال سرزمین مادری حل شود. به تهیه‌کننده و کارگردان هم اعلام شد که مقدمات تولید فصل سوم را آغاز کنند. اما از آنجایی که اکثر بازیگران با پروژه‌های دیگر قرارداد بسته بودند، امکان دوباره جمع کردن آنها مهیا نبود،



از همین‌رو کمال تبریزی مجبور به تغییر ترکیب بازیگران‌ش شد. شهاب حسینی و محمدرضا فروتن از سریال جدا شدند. بازیگران جدید این فصل، آرش مجیدی، کوروش سلیمانی که جایگزین محمدرضا فروتن شده است، سعید زاد، گلچهره سجادی، بابک حمیدیان، مه‌ران رحبی، حسین مهری، مجید سعیدی، حسین عابدینی و لیلیا بروخارداری در این فصل ایفای نقش می‌کنند. یک نگاه به سرزمین مادری این است که وقایع تاریخی و بستر اجتماعی پیش از انقلاب اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد، بدون اینکه لکنت و شعارزدگی داشته باشد. در فصل دوم و ماجرای حمله به حوزه علمیه قم، آنگذر تصاویر گویا بود که همان زمان در فضای مجازی، کاربران معتقد بودند این صحنه‌ها توسط کمال تبریزی آنگذر به‌درستی به تصویر کشیده شد، که مخاطب جوان و نوجوانی که تا به حال از این صحنه‌های تاریخی چیزی نشنیده و ندیده، تحت تاثیر قرار می‌گرفت.

در فصل سوم به روزهای پیروزی انقلاب نزدیک می‌شویم و رهی که تا قبل از این مبارزه با رژیم را جور دیگری ادامه می‌داد در این فصل مشخص است که به انقلابیون نزدیک شده و سمت و سوی اعتراضش هم با فصل دوم متفاوت شده است. البته اعتراض و نقد به این فصل بیشتر از دو فصل قبلی است و برخی معتقدند اعتراض و تظاهرات در دو فصل قبلی بهتر نمایش داده می‌شد و این فصل ضعیف‌تر از فصل‌های قبلی است، یکی از ویژگی‌های این سریال که باعث می‌شود همیشه روایت را بالا نگه دارد و مخاطب را خسته و دلزده نکند، اوج و فرودی است که کارگردان برای قصه در هر قسمت گذاشته است، هرکجا احساس می‌شود که قصه از ریتم می‌افتد، نویسنده با قصه و روایتی جدید و ورود چهره‌های شناخته شده تاریخی داستان را جلو می‌برد. سرزمین مادری گنج این روزهای تلویزیون است، اما گنجی که قدرش دانسته نشد و نمی‌شود. این روزها که سریال‌های تلویزیونی مخاطبان ۲ درصدی و ۵ درصدی دارند، سرزمین مادری می‌توانست تلویزیون را از این انزوا خارج کند، اما انگار مدیران تلویزیون علاقه‌ای به این سریال نداشتند و ندارند. نمی‌خواستند بیش از این مانوری بدهند تا سریال دیده شود.

نگاهی به سریال «سرزمین مادری»

درخشش گذشته و بحران کیفیت امروز



فاطمه‌سادات بکانی
خبرنگار گروه فرهنگ

انگاری این به رسمی در کارنامه کاری کمال تبریزی تبدیل شده که چند تا در میان روایت‌هایش شگفت‌انگیز و بعد معمولی می‌شود. مثلا او کمدی «لیلی با من است» و عاشقانه «شیدا» را ساخته که هنوز هم بعد از سه دهه جذاب و دوست‌داشتنی هستند و بعدها «ا ه ما هم با هم هستیم» و «دونده زمین» را ساخته که به نوعی گلابه‌مند و منتقد هستند اما نمی‌توانند نظر مخاطب را به خود جلب کنند!

شاید بشود علت را در خستگی او جست‌وجو کرد یا در تحمل ناملایماتی که مسئولان برایش ایجاد می‌کنند! کمال تبریزی هر بار دلش از وضعیت کشور گرفته بوده و قلمش را برای نقد تیز کرده، با خشکست رویه‌رو شده است. انگار از مرد ساختن در روزهای ساخت و تست؛ باید حالش خوب باشد تا خوب بسازد.

فصل اول و دوم را هم در حالی ساخته که هنوز با حاشیه‌های توقیف مواجه نشده بود و فصل بعدی را گویی در اوج ناامیدی و بعد از دو سال وقفه آغاز کرده است. همین هم شده که فصل سوم سریال خیره‌کننده سرزمین مادری به سرنوشت روزهای کم‌رنگ‌تر کارنامه تبریزی تبدیل شده است.

شاید گذرشت‌ترین اشکال را بشود در تغییر تیم بازیگران سریال جست‌وجو کرد که ناگهان سطح اثر را چند پله پایین کشیده است. تغییر بازیگر در قصه‌های دنباله‌دار یکی از نقاط آسیب‌زا برای هر مجموعه‌ای است که دنبال‌کننده‌های وفادار دارد. رشته همذات‌پنداری مخاطب با چهره‌هایی که با آنها خو گرفته است با تغییر بازیگران ناگهان قطع می‌شود و به سختی می‌تواند در ادامه ترمیم شود. مخصوصا اگر ستاره‌ها جای خود را به هنرمندان معمولی‌تر بدهند، اینجا دیگر کار برای این هنرمندان هم سخت می‌شوند. آنها هر چه تلاش کنند و در کار خودشان خوب باشند، باز هم باید در هر صحنه و سکانس به رقابتی سخت و ناخوآمن‌راندانه با ستاره‌ای که قبل از آنها عهده‌دار این نقش بوده مشغول باشند تا شاید کمی بتوانند نظر تماشاچی را به خودشان جلب کنند.

بعد از تغییرات سخت و خیلی زیاد بازیگرها در فصل سوم، اشکال را شاید بشود در شتاب زدگی کارگردان برای عبور از فوج حوادث سیاسی آن سال‌های ایران جست‌وجو کرد و البته گرفتار شدنش در تکرار کمال تبریزی برای تغییرات مهم در روند زندگی شخصیت‌هایی که در دو فصل اول با وسواس دوست‌داشتنی برای جزئیات تصمیم‌های آنها وقت می‌گذاشت، توضیح کافی ندارد و توقع دارد مخاطب به سادگی از او بپذیرد که «رهی» ماجراجو و انقلابی چرا ناگهان دست از همه دوستانش شسته و خودش را گم و گور کرده است! گیر افتادن چندباره شخصیت اصلی قصه و رها شدنش به کمک دخترعموی شوهردارش هم دیگر تبدیل به کلیشه سرزمین مادری شده و قصه را لوث کرده است. هر چند بدون اغراق باید تاکید کرد که معنای این حرف آن نیست که فصل سوم سرزمین مادری ضعیف است. همین فصل